

## مهاجران هر چه زود تر برگردند، به نفعشان است!



محمد مروج زاده از جمله فیلمسازان و مدیران موفق تلویزیونی در افغانستان است محمد مروج زاده مدیر تولید یکی از تلویزیون های خصوصی پر بیننده در افغانستان است که حدود ۱۲۰ نفر در آن کار می کنند و به طور جهانی و بیست و چهار ساعته پخش برنامه دارد.

او از جمله افرادی است که برای نسل کنونی فیلمسازان و هنرمندان سینمایی افغانستان به عنوان استاد و راهنما شناخته می شود، دوره های ابتدایی و دانشگاه را در ایران گذرانده و از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱ مهاجر بوده است؛ پس از بازگشت به کشور در رسانه های تصویری حضور فعال و پر رنگ داشته و همزمان با راه اندازی نخستین رسانه های تصویری در افغانستان، کارش را شروع می کند و تا به امروز پیش آمده است.

او می گوید در سال ۱۳۵۸ با ورود ارتش سرخ، به همراه خانواده اش افغانستان را ترک کرده اند: «یکسال در پاکستان زندگی کردیم و بعد به ایران مهاجرت کردیم، من کودکی و جوانی ام را در ایران سپری کردم؛ در ایران به مدرسه رفتم و با علاقه ای که به سینما داشتم، از طریق بورس های تحصیلی برای مهاجران وارد دانشگاه شدم و سینما خواندم.»

مروج زاده پس از سقوط رژیم طالبان به افغانستان باز می گردد، یک سالی را در موسسه امام هادی (ع) که متعلق به شیعیان است به جمع آوری پیش برنامه های تلویزیونی می پردازد و پس از آن در تلویزیون آینه، نخستین تلویزیون خصوصی و جهانی افغانستان به کار مشغول می شود: «موسسه امام هادی (ع) نخستین جواز را از دولت افغانستان گرفت، پس از آن شبکه طلوع آغاز به فعالیت کرد که بیشتر موسیقی نشر

می داد و همزمان تلویزیون آینه به عنوان نخستین تلویزیون خصوصی جهانی آغاز به کار کرد که ما جذب آن شدیم. در آن سال ها وضعیت این گونه سینما و تلویزیون افغانستان فلج بود و فعالیت زیادی صورت نمی گرفت و زمینه کار بسیار اندک تر از چیزی بود که امروز وجود دارد.

در ابتدا تنها چند رسانه معدود وجود داشت و شرایط کار بسیار مشکل بود، من به همراه چند دوست دیگر که از ایران به افغانستان بازگشته بودیم، سعی کردیم مقاومت کنیم و با سختی شرایط بسازیم؛ ما نه تنها خود را اثبات کردیم بلکه تعداد زیادی از جوانان مهاجر و هموطنمان را که برای کار به شبکه های تلویزیونی مراجعه می کردند، آموزش می دادیم.»

وقتی از سال های حضور در ایران پرسیدم و اینکه آیا در ایران نیز زمینه کار برایش وجود داشته یا خیر می گوید: «ایران بد نبود، یعنی اگر کسی علاقه داشت و دنبال خواسته و علاقه خود می رفت، بیکار

نمی ماند، البته ده یا دوازده سال پیش که من ایران بودم وضعیت این گونه بود، از امروز چندان اطلاعی ندارم. من در ایران چند کار تلویزیونی و مستند برای تلویزیون ایران ساختم.»

مروج زاده ادامه می دهد: «رشته ای که من درس خوانده ام و در آن فعالیت می کنم، نیازمند کار گروهی است و یک انسان هر قدر توانایی داشته باشد، نمی تواند به تنهایی کاری را پیش ببرد، مگر اینکه بتواند از فرصت ها و امکانات

اندک موجود بهترین استفاده را ببرد. در اینجا دست روی دست گذاشتم و سعی کردم همیشه حضور داشته باشم. با محیط و فضای جدیدی که در آن وارد می شوم تعامل داشته و با شرایط بسازم.»

وی در خصوص مشکلات مهاجران و ناامیدی از آینده می گوید: «من قبول دارم که مشکلات ابتدایی برای هر مهاجری وجود دارد در همه جای دنیا و در افغانستان این مشکلات بیشتر است اما من همیشه امید داشتم، همیشه حسی وجود داشت که می گفت برای چه درس خواندی، برای چه کسی درس خواندی؛ تو اگر هم درس خواندی برای همین مردم خواندی نه برای چیز دیگری! داشتن امید و تجربه فضایی تازه در افغانستان موجب شد تا با شرایط سخت آن سال ها بسازم و به مرور زمان دوستان بیشتری پیدا کنم، با شرایط کنار آمدم و وطنم مرا پذیرفت.»

«بخش عمده نیروی کار در رسانه های دیداری، شنیداری و نوشتاری را در افغانستان مهاجران تشکیل می دهند.» مروج زاده معتقد است نیروی متخصص در هر شرایطی توانایی یافتن زمینه های مناسب برای

یافتن اشتغال را دارد. او علت حضور مردم در کلان شهرهای افغانستان را نبود امنیت در دیگر نقاط می داند و معتقد است: «در کلان شهرها امنیت وجود دارد و تنها مسئله ای که برای مهاجران ایجاد چالش می کند نبود کار است؛ امنیت شغلی در افغانستان هست. این فیلم ساز می گوید کار در رسانه یک کار نوین در افغانستان است که بیش از یک دهه از عمر آن نمی گذرد؛ (نیروی متخصص می تواند فعال باشد، در هر

داشتن امید و تجربه فضایی تازه در افغانستان موجب شد تا با شرایط سخت آن سال ها بسازم و به مرور زمان دوستان بیشتری پیدا کنم، با شرایط کنار آمدم و وطنم مرا پذیرفت

## خودمان افغانستان را می سازیم



کاوه آبریک یکی از جوانان فعال و موفق در زمینه سینما و تئاتر در افغانستان است، علاوه بر حضور در سینما و فضای هنری افغانستان در

محیط مجازی، یکی از جوانان پر شور و فعال محسوب می شود که با پیگیری روز نوشته هایش در دنیای مجازی می توان به دغدغه ها و نگاه او نسبت به زندگی یک جوان متعهد افغان پی برد. کاوه از چهار تا ۲۳ سالگی در ایران مهاجر بوده و پنج سال است در کابل حضور دارد. ساخت چندین فیلم و کسب جوایز مختلف از جمله؛ جایزه فیلم «حقوق بشر» کابل (سال ۲۰۱۱) برای فیلمی در خصوص وضعیت مهاجران در ایران با اقتباس از داستان محمد آصف سلطان زاده نویسنده صاحب نام افغانستان، جایزه

«جشنواره پلیس افغانستان» در سال ۲۰۱۲ و ... ماحصل حضور و فعالیت هنری او در افغانستان بوده است.

در حال حاضر کاوه در خانه فرهنگ افغانستان فعالیت می کند، وی می گوید در ایران فضا به طور عموم با محدودیت هایی همراه است که هر هنرمندی را دچار مشکل می کند، چه آن هنرمند ایرانی باشد و چه یک مهاجر افغان: «من در افغانستان فضای باز سیاسی را تجربه کرده ام و توانسته ام جوانان زیادی را بیابم که مانند من فکر و به زندگی نگاه می کنند. فضا در ایران محدود بود، امکانات ما محدود بود و این امر طبیعی است که هر کسی در کشور خود مجال بیشتری برای فعالیت دارد.»

کاوه از حضور خود و فضای هنری افغانستان راضی است و تنها از دولت گلّه دارد، کاوه می گوید: «دولت افغانستان از هنر حمایت چندانی نمی کند و اگر هم حمایت می کند، یک بخش به خصوص را حمایت کرده است. هنرمندان

افغانستان به گونه خودجوش فعالیت می کنند و زمینه و شرایط با این وجود برای کارهای هنری وجود دارد. مردم افغانستان روز به روز به هنر علاقه و میل بیشتری نشان می دهند. من دیده ام که هنر می تواند مردم ما را به هم نزدیک کند. فضای تازه و عرصه نو برای افغانستان ایجاد کند. روز به روز ذائقه مردم تغییر می کند و مردم علاقه و میل بیشتری نسبت به هنر از خود نشان می دهند.»

او می گوید «خشونت میراث جنگ است و در یک جامعه پس از جنگ این امر طبیعی است. وقتی هنر خود را برای مردمی که سال ها در فضای جنگ ماندند و از کشور خارج نشدند و نسبت به هموطنان مهاجر خود دید متفاوتی دارند، عرضه کنی؛ آنها متوجه نزدیکی و دردهای مشترک مان می شوند و دیگر به تو با نگاه غیر نخواهند دید.»

کاوه ادامه می دهد: «هنر را بهتر از هر چیزی درک می کنند، من به مناطق مختلف سفر